

۴۳

چلچراغ ۲ / چراغ چهل و سوم  
جزو سوم - غزل ۱۳۷۷

برگرفته از کتاب «هفت چلچراغ شمس» - مهدی سیاح زاده - جلد اول -  
ص ۱۵۴ - انستیتو پژوهش ایران - لوس آنجلس - پاییز ۱۳۹۹ - ۲۰۲۰

ای با من و پنهان چو دل، از دل سلامت می کنم  
تو کعبه ای، هر جا روم قصد مقامت<sup>۱</sup> می کنم  
هر جا که هستی حاضری، از دور بر ما ناظری  
شب خانه روشن می شود، چون یادِ نامت می کنم  
گه همچو باز آشنا، بر دست تو پَر می زنم  
گه چون کبوتر، پَر زنان آهنگِ بامت می کنم

<sup>۱</sup> - مُقام: «سنگی است که حضرت ابراهیم هنگام بنای بیت بر آن ایستاد.»  
(دهخدا) طبق اعتقادات مسلمانان، این مکان مربوط به زمانی است که  
ابراهیم دیوارهای کعبه را بالا می بُرد، آنگاه که دیوار بالا رفت به اندازه  
ای که دست بدان نمی رسید، سنگی آوردند و ابراهیم بر روی آن ایستاد  
و دیوار کعبه را بالا بُرد. این سنگ، هم اکنون کنار کعبه است و «مُقام  
ابراهیم» نام دارد.

[تو کعبه من هستی و هر جا بروم آرزو می کنم (قصد می کنم) مانند مُقام  
ابراهیم در کنار کعبه وجود تو (شمس تبریزی؟) باشم.]

گر غایبی، هر دم چرا آسیب بر دل می زنی  
ور حاضری، پس من چرا در سینه دامت می کنم  
دوری به تن، لیک از دلم اندر دل تو روزنی ست  
ز آن روزنِ دزدیده، من چون مه پيامت می کنم<sup>۱</sup>  
من آینه دل را ز تو، اینجا صیقالی<sup>۲</sup> می دهم  
من گوشِ خود را، دفترِ لطفِ کلامت می کنم

<sup>۲</sup> - روزن: سوراخ کوچک، منفذ.

[ گرچه از تن من دور هستی اما نور ماه وجودت را می بینم که از روزن  
دلم می تابد. و از همان روزن با تو در ارتباط هستم. ] واژه روزن و نور  
ماه و یا خورشید در غزل های مولانا بسیار آمده است. مانند این بیت:

امشب شراب وصلت بر خاص و عام ریزم

شادی آنکه ماهت بر روزن است امشب

شمس ۳۳۴۳/۱

<sup>۱</sup> - صیقالی: زدودن. صیقل دادن. در گذشته برای ساختن آینه تکه آهنی  
را آنقدر صیقل می دادند که همه ناپاکی و ناهمواری آن زدوده می شد  
و به صورت آینه در می آمد. این کار را صیقالی می نامیدند. اینجا هم می  
گوید:

[من به خاطر تو است که از طریق صیقالی، آینه دل خود را از زنگار  
پاک می کنم. ]

متن و شرح غزل: « ای با من و پنهان چو دل، از دل سلامت می کنم »

وب سایت مهدی سیاح زاده [www.sayahzadeh.com](http://www.sayahzadeh.com)

---

در گوش تو، در هوش تو، و نَدَرِ دلِ پُر جوش تو  
این ها چه باشد؟ تو مَنی، وین وصفِ عامت می کنم<sup>۱</sup>

---

<sup>۲</sup>- وین : بدین سبب است که. [بدین سبب است که نزد همگان تو را ستایش می کنم.].